

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُتر (قسمت اول)

قیام سال ۱۳۲۴ صافی (سای) های کُتر به نام های اغتشاش کُتر، شورش صافی های کُتر ها، جنگ صافی ها، انقلاب سنه ۲۴، سای کال (سال صافی ها)، و در راپورهای استخباراتی وقت انگلیس هم به اسم ناآرامی های کُتر یاد شده است.

سنه ۱۳۲۴ شمسی یا سای کال بنا بر سنگینی تلفات انسانی (ملکی و نظامی) و تلفات مالی برای باشندگان ولایت کُتر یک سال مهم و فراموش ناشدنی بوده و مردم عام تا هنوز برای تعیین تاریخ رویداد های مهم زندگی شخصی و خانواده گی شان مانند تعیین سن، تاریخ وفات و رویدادهای مهم دیگر از آن به حیث یک معیار یا میزان استفاده میکنند. طور مثال اگر از شخصی پرسیده شود که چند ساله است یا در کدام سال تولد شده است، شاید بگوید که در خزان یا بهار صافی کال یا مشخصا چند سال قبل یا بعد از آن تولد شده است.

با وجودیکه از جنگ صافی ها که در آن بیش از چهار هزار هموطن ملکی و نظامی ماجان های شیرین شان را از دست دادند، هفتادسال می گذرد، و عده از نویسندگان خارجی مانند لوئیس دوپری (Louis Dupree) افغانستان شناس معروف امریکایی آنرا بزرگترین مهاجرت اجباری (تبعید) در تاریخ افغانستان معاصر دانسته^۱، و دیوید ایزبی (David Isby) نویسنده کتاب «افغانستان قبرستان امپراتوری ها»^۲، آنرا به نام نسل کشی صافی های پشتون یاد نموده؛ و به استناد راپور های محرمانه استخبارات انگلیس تنها مصارف چند ماهه اول دولت در آن به یک میلیون و ششصد هزار افغانی که در آن وقت یک رقم بسیار گزاف بود، میرسید^۳؛ متأسفانه هموطنان ما تا هنوز هم از این جنگ و جنایت بنا بر دلایلی معلومات درستی در دست ندارند.

درین تحقیق مختصر کوشیده شده است بر جنبه های مختلف قیام صافی ها تا حد امکان، با استفاده از منابع و اسناد مؤثق و دست اول، روشنی انداخته شود.

شاید عده از هموطنان اطلاع داشته باشندکه این قلم به خانواده غازی میرزمان خان کُتری تعلق دارد. خانواده که در همان سال به بهانه قیام صافی ها، ولی بدون هیچ نوع ارتباطی با آن، بدون محاکمه، تنها با نوشتن قوماندان قوای مرکز بر یک پارچه از روزنامه که «مدیریت محبس دهمزنگ تا حکم ثانی مراقبت جدی نماید»، برای مدت سیزده سال در زندان جهنمی دهمزنگ بسر برد، بیش از بیست و هفت تن از اعضایش را به اثر شرایط ناگوار حفظ الصحة، امراض ساری و فقدان تغذی از دست داد، اطفالش از نعمت درس و تعلیم محروم گشتند و بلاخره برای مدت هشت سال دور از مسکن آبائی شان در شرق افغانستان، به دورترین نقطه در غرب کشور (ولایت هرات) تبعید شد. اما درین تحقیق مختصر کوشیده شده است تا به تمام معنی به حقایق و فاکت ها وفادار مانده و بدون هیچگونه مداخله روحی حقایق

۱. Louis Dupree (1997) – Afghanistan, page 537

۲. David Isby (2011) - Afghanistan: Graveyard of Empires: A New History of the Borderland

۳. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس در ارشیف هند بریتانوی L/P&S/12/3199

تاریخی را طوری که برداشت نموده ام با بیطرفی کامل به هموطنان عزیز و علاقه مندان تاریخ کشور تقدیم کنم. همچنان امیدوارم نوشتن واقعیت های تاریخی و ذکر نام اشخاص دخیل درین رویداد مورد رنجش و آزدگی خانواده ها، دوستان، منسوبین، ارادتمندان، پیروان و هواداران شان نگردد.

موقعیت جغرافیوی کُـنـر

قبل از آنکه به علل و تفصیل رویداد های سال ۱۳۲۴ شمسی پرداخته شود، شاید شناسائی مختصر با ولایت کُـنـر، اقوام ساکن در آن و شرایط اقتصادی اجتماعی آن دوره برای دانستن بهتر موضوع عاری از دلچسپی نباشد.

ولایت سرحدی کُـنـر در شمال شرق کشور، موازی با خط تحمیلی سرحدی دیورند، موقعیت دارد. کُـنـر در شمال شرق



و

جنوب با مناطق چترال، دیر، باجور و ایجنسی مومند ایالت پختونخواه، در غرب با ولایات ننگرهار و لغمان، و در شمال فعلا با ولایت نورستان هم سرحد میباشد.

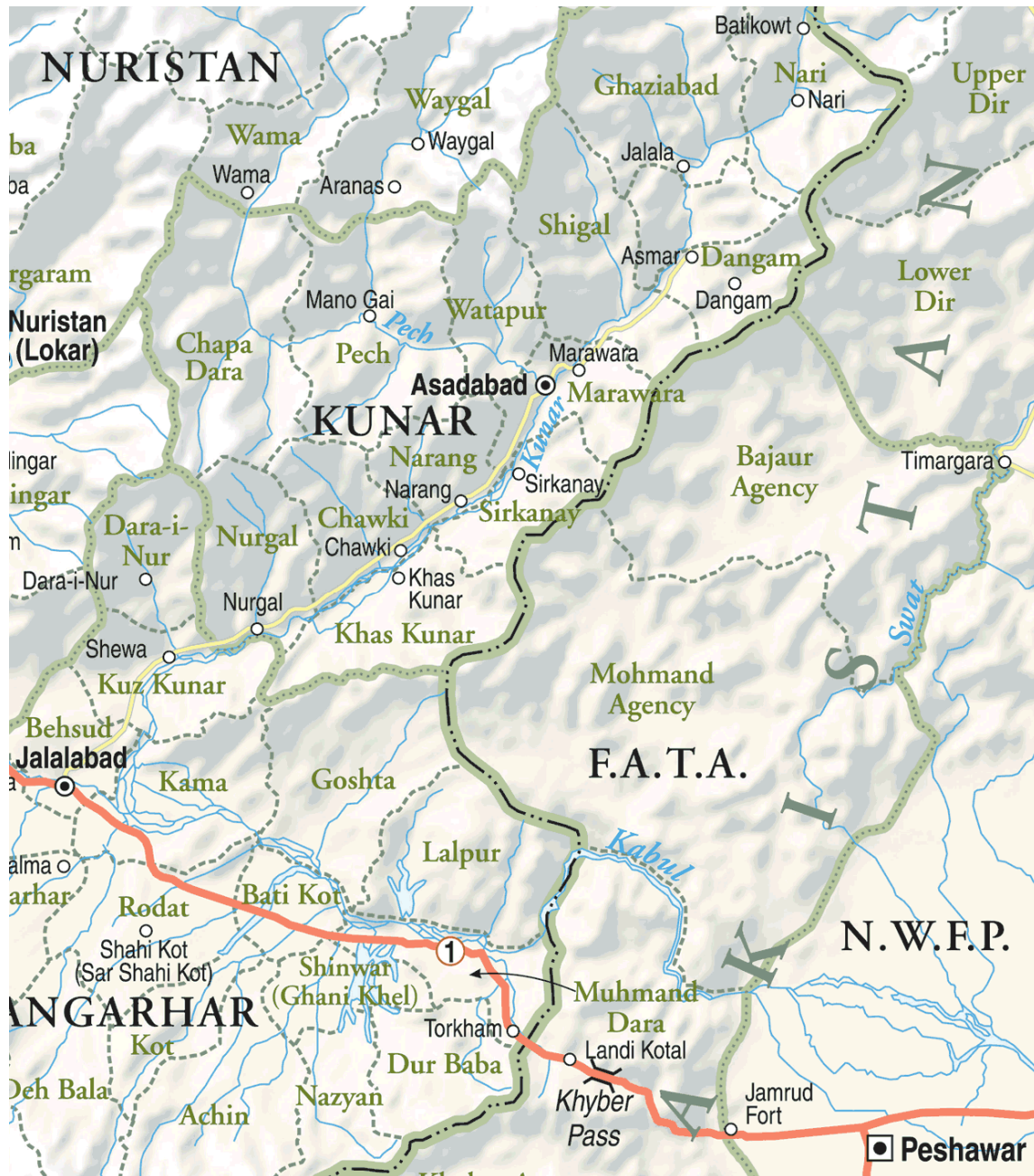
قسمت اعظم ولایت کُـنـر متشکل از کوه های بلند، دره های باریک و قطعات کوچک زمین زراعتی میباشد. دره نور، دره مزار، دره شونگری، دره دیوه گل، دره بادیل، دره پیچ، چپه دره، اسمار، و دره دانگام از دره های معروف کُـنـر بشمار میروند.

کُنر مانند ولایت پکتیا دارای بزرگترین جنگلات در کشور میباشد. اراضی کُنر در ارتفاعات بین (۱۰۰،۰۰۰) و (۳،۰۰۰) متر با جنگل پوشیده است. حدود ۷۵ فیصد از (۴،۴۵۰) قریه کُنر در مناطق کوهستانی موقعیت دارند.



دریای مشهور کُنر که از شمال بطرف جنوب جریان دارد، از جهیل آبی رنگ گازکول در حومه کوتل بارو غیل در دامنه جنوبی هندوکش سرچشمه میگیرد و آب یخچال ها و برف های قسمت های فوقانی دریاچه یارکهن به آن مپیوندد. یکی از معاونین معروف این دریا، دریای باشگل یا لنډی سیندمیباشد که از دامنه های هندوکش سرچشمه گرفته از دره باشگل نورستان گذشته در نزدیکی ارنوی به دریای کُنر میریزد. معاون دیگر این دریا، که آنهم از سواحل راست آن در نورستان سرچشمه میگیرد، دریای پیچ است. دریای کُنر حوالی شرق شهر جلال آباد با دریای کابل یکجا شده بطرف شرق جریان داشته، در شهر اتک پاکستان کنونی با دریای سند (اباسین) وصل میشود.^د

د. زمانی عبدالرحمن. جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کنر، حقایق نهفته و حرف های ناگفته جبهه چهارم. مؤسسه نشراتی مسکا. پشاور. <http://zamanifamily.org/?p=228>



حدود شصت (۶۰) درصد از زمین زراعتی کُنَر در هر دو طرف دریای کُنَر موقعیت داشته اما تنها (۲۰) درصد آن از این دریا آبیاری شده و باقیمانده آن بلندتر از سطح دریا قرار دارد.

معادن ولایت کُنَر

ولایت کُنَر در پهلوی جنگلات طبیعی دارای معادن سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی زیاد میباشد که از مدت ها بدینسو به شکل غیرقانونی و غیر فنی کندن کاری و قاچاق میشود. سنگ های قیمتی و تزئینی چون ابرک (Mica)، مرمر (Marble) کوارتز (Quartz)، کرومایت (Chromites) زبرجد (Epidote)، اکوامرین (Aquamarine) بیروج (Tourmaline) عقیق (Agate) مورگانیت (Morganite)، کونزیت (Cunzite) و روبیلیت (Rubelite) در ولسوالی های چپه دره، مانوگی،

وته پور، شینگل، غازی آباد، خوکی، نرنگ، نورگل، سرکانو و خاص کُتر وجود دارد. منرال های زمرد نیز در سال ۱۳۵۵ خورشیدی در ولسوالی نرنگ توسط یک گروپ اداره سروی و جیولوژی تثبیت گردیده است.

تشکیلات اداری

کُتر تا اندازه زیادی تا اوایل قرن ۱۹ مستقل بوده بشکل ملوک الطوایفی تحت اثر دو خانی پشت (پشد) در جنوب و خانی اسمار در شمال اداره میشد. در دوره سلطنت غازی امان الله خان کُتر که متشکل از سه قسمت کُتر بالا، کُتر خاص و کُتر پایان بود و بنام کُترها (به پشتو برکونر + خاص کونر + کوز کونر = کونرونه) یاد میشد، مانند لغمان مربوط به حکومت اعلی سمت مشرقی بود، که توسط حاکم اعلی و حکمران اداره میشد.

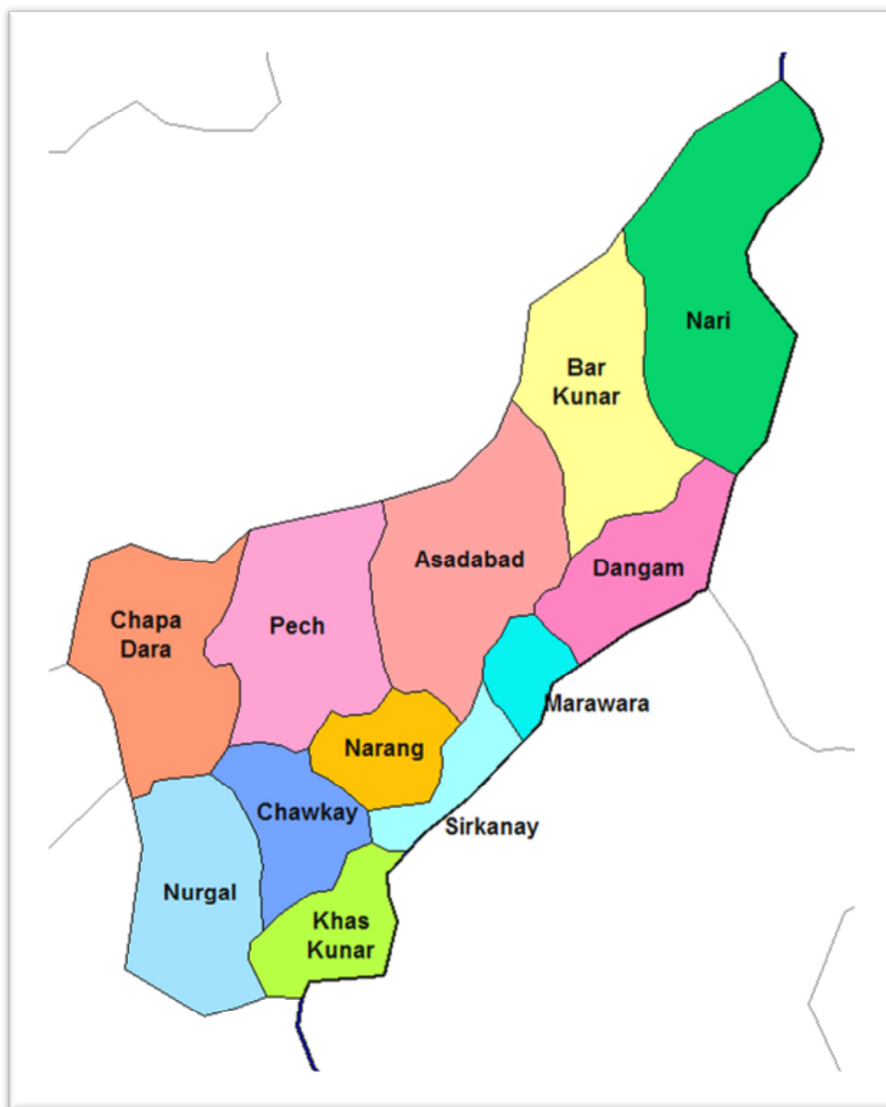
در تقسیمات ملکیه آن دوره، افغانستان به پنج ولایت کابل، قندهار، هرات، ترکستان، و ولایت قطغن و بدخشان، و چهار حکومت اعلی سمت مشرقی، سمت جنوبی، فراه، و حکومت اعلی میمنه تقسیم شده بود. ولایات تحت اداره نایب الحکومه ها و حکومت اعلی توسط حاکم اعلی و نایب الحکومه کابل که به نام والی گفته میشد، اداره میشدند. ولایات و حکومت های اعلی به نوبه خود به تقسیمات اداری کوچک مانند حکومت های کلان و حکومتی ها و علاقه داری منقسم می گردیدند و از لحاظ اداره حکومت کلان، حکومتی ها را و حکومتی ها علاقه داری ها را تحت اداره داشتند.

بعد از ختم دوره صدارت سردار محمد داؤد خان و انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هجری شمسی، در ابتدا افغانستان به ۲۹ ولایت و یک سال بعد از آن به ۲۸ ولایت تقسیم گردید، و کُتر هم به سطح ولایت ارتقا کرد.

در دوران زمامداری داکتر نجیب، در جریان ملیشه سازی های قومی، مناطق نورستان شرقی و نورستان مرکزی از بدنه ولایت کُتر جدا و یکجا با نورستان غربی ولایت لغمان ولایت جدیدالتاسیس نورستان را بمیان آورد.

البته اقدام سیاسی تشکیل ولایت نورستان مشکلات بزرگی را به باشندگان آن ولایت به بار آورد. مثلاً باشندگان یک محل برای رسیدن به مرکز ولایت مجبور میشوند از سه ولایت کُتر، ننگرهار و لغمان گذشته خود را به آنجا برسانند.

در دوران حکومت تنظیمی، علاقه داری های کُتر هم از تشکیلات اداری حذف و به ولسوالی تبدیل شدند.



کُنر اکنون دارای ۱۵ واحد اداری بشمول اسعد آباد مرکز این ولایت (که به نام چغسرای نیز مسمی است)، ولسوالی های کُنر خاص، نورگل، خوکی، نرنگ، سرکانو، مروره، شیگل، دانگام، آسمار، غازی آباد، ناری، وته پور، مانوگی و چپه دره میباشند.

باشندگان کُنر

اکثریت باشندگان کُنر پشتون نژاد بوده و ساپی (صافی)، مومند (مهمند)، سالارزی، مشوانی، شینواری، ماموند، ترکانی، الکوزی، سرکانی از جمله اقوام بزرگ کُنر بشمار می آیند. یک اقلیت گجر، کوهستانی، پشه ای و تاجک نیز در کُنر سکونت دارد. تاجک ها که بنام «دهگان» یاد میشوند، حال به لسان پشتو صحبت نموده و از رسم و رواج های پشتون ها پیروی میکنند. ساپی یا (صافی) ها بیشتر در دره های دپوه گل، مزار، بادپل و دره پیچ سکونت دارند.

خانواده های سادات نیز در کُتر سکونت دارند که بیشترین شان در قریه معروف پشت (پشد) بود و باش داشتند و علامه سید جمال الدین افغان هم یکی از اعضای این خانواده بود. قابل یادآوریست که شجره سادات کُتر معلوم بوده و چون افغان ها به سادات، مشایخ، روحانیون و بزرگان دینی احترام خاص قایل بودند، انگلیس ها نیز توانسته اند عده از عناصر و خانواده های مشکوک را استخدام نموده و در مناطق حساس و ستراتیژیک کُتر تحت نام سید و پاچا و پیر جابجا نمایند. شماری ازین عناصر در جریان مبارزات آزادیخواهانه و ضد استعماری مردم کُتر (در هر دو طرف خط نام نهاد «دیورند») خدمات ارزنده را به نفع انگلیس ها انجام دادند و در حکومت های دست نشانده و خاندانی پاداش شانرا حاصل و صاحب مقام و نام و منزلت شدند.

(ادامه دارد)